

## اثر آموزش و فرهنگ بر عملکرد اقتصاد در ایران

علی حیدری فتح آباد<sup>۱</sup>، هادی اسماعیل پورمقدم\*<sup>۲</sup>، هما دوستی<sup>۳</sup>، احمد رحمانی<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، [aliheydari88@yahoo.com](mailto:aliheydari88@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، [hadies1369@gmail.com](mailto:hadies1369@gmail.com)

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد خوی، [homa.narin@gmail.com](mailto:homa.narin@gmail.com)

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، [ahmad77rahmany@yahoo.com](mailto:ahmad77rahmany@yahoo.com)

### چکیده

نقش فرهنگ اغلب در مجامع اقتصادی کمتر بحث شده است؛ در حالی که اثر آن بر عملکرد اقتصاد غیر قابل انکار است. در ادبیات اقتصادی فرهنگ و آموزش می تواند به عنوان عاملی درونزا و یا برونزا در اقتصاد مطرح شود و با تأثیر بر رفتارهای اقتصادی نقشی قابل توجه ایفا نماید. از این رو این تحقیق به بررسی اثر فرهنگ و آموزش بر عملکرد اقتصاد طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۴۴ با استفاده از روش اقتصادسنجی خودتوضیح با وقفه های گسترده (ARDL) می پردازد. نتایج پس از تجزیه و تحلیل مدل در سال های مورد مطالعه حاکی از این بود که ضرایب شاخص های فرهنگ و آموزش بر عملکرد اقتصادی مثبت و معنادار است. به عبارت دیگر با افزایش و بهبود در هر یک از شاخص های فرهنگ و آموزش عملکرد اقتصاد کشور بهبود می یابد.

واژه های کلیدی: آموزش، فرهنگ، رشد اقتصادی، مدل ARDL

### ۱- مقدمه

فرهنگ و جامعه دو عنصر جدایی ناپذیر به حساب می آیند. جامعه به نظام روابط متقابلی اطلاق می شود که افرادی را که دارای فرهنگ مشترک هستند به یکدیگر مربوط می سازد. هر جامعه ای فرهنگ خاص خود را دارد و هر فرهنگی نیز متعلق به یک جامعه خاص می باشد. فرهنگ دارای دو جنبه یا دو بخش می باشد؛ فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی. این دو جنبه فرهنگ در یک کلیت منسجمی به هم مرتبط هستند و در تحلیل نهائی باید تأثیرات متقابل آن ها در بستر کلی هر جامعه معین و تأثیرپذیری آن ها از عناصر فرهنگی دیگر جوامع را مورد توجه قرار داد. هر جامعه در حقیقت ترکیبی از نهادها و سازمان های اجتماعی و گروه ها، اقشار و طبقات اجتماعی است و فرهنگ نتیجه تعاملات و روابط پیچیده گروه های انسانی در سازمان های مختلف و مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی انسان است. از این رو فضای گسترده فرهنگ هر جامعه ای، کلیه اجزای متشکله جامعه از جمله گروه ها و طبقات و سازمان های متفاوت را تحت تأثیر قرار می دهد [۱].

نظر به اینکه هر سازمانی متشکل از زیرسیستم های متفاوتی می باشد و زیرسیستم انسانی سازمان که به وجود آورنده و انتقال دهنده ویژگی های فرهنگی است؛ لذا تأثیر ویژگی های فرهنگی جوامع بر خصوصیات و کارکردهای سازمان ها تبعات و نتایج متفاوتی به وجود می آورد و از این دیدگاه مطالعه تأثیرات عناصر فرهنگی هر جامعه بر سازمان ها، ضرورتی اساسی به حساب می آید. فرهنگ به عنوان یک عنصر اجتماعی، دائماً در حال تغییر و تحول است و خصلت پویائی دارد. مکانیسم پویائی فرهنگ هم به تأثیرات داخلی جنبه های مادی و معنوی فرهنگ و هم به تأثیرات عوامل خارجی مرتبط می باشد. گرچه ممکن است یک جنبه (یا بخش) از فرهنگ در دوره ای خاص، کارکرد تعیین کننده تری از دیگر جنبه فرهنگ داشته باشد، لیکن